



بازار پولی جست و جو کرد.

ترکش‌های قاچاق بر پول

با افزایش قاچاق در کشور، عرضه کالا افزایش می‌یابد که بالطبع تقاضایی برای آن نیز به وجود خواهد آمد، حال آن که رقم این مبادلات در ترازنامه بازرگانی و جاری متمرکز دولت به حساب نمی‌آید. این افزایش مبادلات، افزایش تقاضای پول را در جامعه به دنبال خواهد داشت که تأثیراتی در سرعت گردش نقدینگی و بی‌ثباتی هرچه بیشتر در بازار پولی را به همراه می‌آورد. علاوه بر آن، این تقاضای واقعی پول توسط بانک مرکزی پیش‌بینی نمی‌شود و در نتیجه ضریب تعدیل افزایش عرضه پول سالانه بانک مرکزی را نادرست برآورد می‌کند. در تئوری‌های اقتصادی، این افزایش تقاضا در پول - که گاهاً در برخی کشورهای توسعه‌یافته هم اتفاق می‌افتد - خود به خود منجر به افزایش نرخ بهره می‌شود که متأسفانه نظام دستوری بانکداری کشور اجازه تعدیل آن را نمی‌دهد. نتیجه آن خواهد بود که نرخ بهره واقعی - مضاف بر کاهش بهره به دلیل وجود تورم - کاهش خواهد یافت. در این میان باید به این نکته توجه داشت که بی‌شک عاملین اقتصادی بخش خصوصی این موارد را در مطالعات اقتصادی خود به حساب می‌آورند و به دلایل مذکور، سرمایه‌های خود را از بانک‌ها خارج می‌کنند که متأسفانه درصدی از آنها راهی بازار غیررسمی پول خواهند شد. بی‌شک چرخه معیوب مذکور اثرات زنجیروار خود را بر بازار ارز نیز بر جای خواهد گذاشت و نتیجه آن تیره‌تر شدن هرچه بیشتر فضای اقتصاد و صنعت کشور خواهد بود. متأسفانه کشورمان به دلیل موقعیت جغرافیایی و طبیعی مرزهای خود، پتانسیل بسیار بالایی برای ورود قاچاق دارد. در حال حاضر، استان سیستان و بلوچستان به لحاظ تعداد پرونده‌های قاچاق ثبت شده در گمرک کشور با رقم ۴۶/۱۵ درصد کل پرونده‌ها بالاترین رتبه ورود قاچاق را به کشور دارد. ◀

بیکاری و فقر نتیجه آن است. بر اساس گزارش سازمان شفافیت بین‌الملل در سال ۲۰۰۸ شفافیت اقتصادی ایران نسبت به گزارش سال ۲۰۰۶ این سازمان با تنزلی ۳۶ پله‌ای به رتبه ۱۴۱ جهانی رسیده که این رقم بسیار نگران‌کننده است.

سیگنال‌های غلط

علاوه بر مسائلی فوق، به وجود آمدن اقتصاد زیرزمینی، نقش مؤثری در انحراف سیاست‌گذاری‌ها و هدررفت منابع مالی دولت دارد، به طوری که با انعکاس سیگنال‌های غلط به دولت، تصمیم‌گیران اقتصادی کشور را دچار سردرگمی کرده و بی‌شک سیاست‌های توسعه اقتصادی جامعه را منحرف می‌کند. در این زمینه باید اشاره کرد که راه پیشگیری و کنترل این معضل بزرگ اقتصادی، برقراری نظام مالیاتی کارآمد، آن هم از طریق به کارگیری نظام اطلاعاتی دقیق ورود و خروج کالا و گردش مالی منظم در نظام بازرگانی کشور است. همچنین دولت باید با بازنگری در سیاست‌های اقتصادی خود به اصلاح نظام پولی، مالی و ارزی کشور بپردازد تا همزمان با رفع مشکلات نقدینگی جامعه و انسجام در نظام پولی و بانکی کشور که دلیل اصلی رکود در تولید کشور است، راه برای شفافیت بیشتر اقتصاد و شناسایی منافذ فساد در فضای کسب اقتصادی باز شود. ■

تقاضای پول به دلیل افزایش تقاضا و عرضه مبادلات در بازار داشته است، حال آن که محصول ناخالص داخلی کشور - که معادل آن پول رد و بدل شده است - تنها ۲/۲ درصد رشد داشته که کمی سؤال‌برانگیز است. گفتنی آن که در تحلیل‌های اقتصادی، افزایش حجم پول (شامل اسکناس و چک‌پول) فراتر از رشد اقتصاد رسمی (علاوه بر ایجاد تورم) می‌تواند یکی از دلایل تورم بازارهای سیاه باشد. متأسفانه در سال‌های اخیر، فساد اقتصادی و پدیده پولشویی - که طی چند مرحله منشاء غیرقانونی حاصل از جرم و جنایت یک دارایی را حذف کرده و به صورت پول سالم وارد نظام بانکی کشور می‌شود - گسترش یافته است.

به‌علاوه طی ۵ سال گذشته، مطالبات معوق بانکی کشور ۱۵۰ درصد رشد داشته است و با رشد محصول ناخالص داخلی ایران در همین بازه که معادل ۲۵ درصد افزایش داشته، از هیچ ترازنی برخوردار نبوده است. خالی از لطف نخواهد بود که بدانیم یکی از مؤلفه‌های تشخیص فساد اقتصادی در یک کشور، میزان رشد مطالبات معوق بانک‌های عامل و تجاری آن کشور است.

متأسفانه رشد فساد اقتصادی در سال‌های گذشته، به فضای اقتصادی کشور ضربه‌های مهلک بسیاری وارد آورده و سبب شده بسیاری از فرصت‌های شغلی برابر در فضای رقابتی از بین برود که رشد پدیده‌های منفی

قاچاق و اقتصاد ایران

خوره‌ای بر جان اقتصاد

قاچاق نه تنها غیرقانونی، غیراخلاقی و غیرعادلانه بوده و دولت (و مردم) را از حق تعرفه و مالیات محروم می‌کند، حتی موجب صدمات فراوان به تولید داخل، سرمایه‌گذاری و اشتغال می‌شود.

از کالاهای قاچاق وارد شده به کشور که کیفیت مناسبی هم ندارند، تنها به دلیل قیمت پایین خود - از آنجا که بازار این محصولات کشش تقاضای بالایی دارد - نگاه مصرف‌کننده را به سمت و سوی خود جلب می‌نمایند و سبب می‌شوند تولیدکننده داخلی تنها به دلیل قیمت‌های پایین‌تر کالای قاچاق، توان رقابتی خود را از دست بدهد. یقیناً کاهش قدرت رقابت‌پذیری یک بنگاه، به کاهش توان تولیدی آن می‌انجامد که تعدیل نیرو و فشار تحمیل شده به فضای اشتغال کشور از نتایج منفی آن خواهد بود.

به این مشکل می‌باید کاهش محصول ناخالص داخلی را افزود که تنزل درآمد سرانه و سرمایه‌گذاری‌های داخلی، رشد بیکاری و وابستگی هرچه بیشتر به درآمد‌های متلاطم نفتی از نتایج آن می‌باشد و جملگی به معنای کاهش رفاه عمومی در جامعه است. مسائلی مذکور تنها یک بُعد منفی قاچاق است. بُعد منفی دیگر را باید در

قاچاق به عنوان پدیده‌ای که توان تولیدی یک کشور را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد از سابقه‌های بسیار طولانی در اقتصاد جهان برخوردار است. متأسفانه علاوه بر مجازات‌هایی که در قانون برای قاچاق در نظر گرفته شده، به دلیل سود قابل ملاحظه‌ای که از این تجارت به دست می‌آید، شدت آن در سال‌های گذشته - چه در ایران و چه در جهان - رو به افزایش بوده و به دلیل نظام اطلاعاتی نامتوازن ورود و خروج کالا در کشورهای در حال توسعه مثل ایران، این روند همواره به عنوان یکی از بزرگترین خطرها، اقتصاد و صنعت کشورها را تهدید نموده است.

سؤال آن است که چرا به قاچاق به عنوان پدیده‌ای منفی نگریسته می‌شود؟ در جواب باید گفت که افزایش قاچاق سبب می‌شود تا کالای داخلی به نوعی در تله دامپینگ قرار گیرد و در این بین توان رقابتی خود را در بازار داخلی از دست بدهد. در برخی موارد، بسیاری

راهکارهای مبارزه با اقتصاد سیاه و خاکستری

بالا تر از سیاهی هم رنگی هست

مصاحبه اختصاصی ماهنامه «اقتصاد ایران» با مهندس محمدصادق مفتاح، معاون وزیر بازرگانی، در ارتباط با اقتصاد زیرزمینی و قاچاق

اقتصاد ایران: عموماً چه مسایلی سبب می‌شوند تا بازار سیاه، یا همان اقتصاد زیرزمینی در یک کشور اتفاق بی‌افتد؟



در تعاریف اقتصادی یک بازار سیاه داریم و یک بازار خاکستری که همان ترجمه Black Market و Gray Market هستند. بنا بر مبانی نظری، بازار سیاه زمانی اتفاق می‌افتد که یک کالا یا نحوه توزیع آن در جامعه غیرمجاز شمرده شود، در حالی که نیاز به این کالا در بازار وجود دارد. مثلاً مواد مخدر اینگونه است. دولت آن را غیرمجاز می‌داند، اما برای

این مسیری است که همگان رفته‌اند و قوانین کاملاً مشخصی دارد. بحث کاهش نقش دولت در فعل تجاری که همان اجرای اصل ۴۴ است، یکی از ریشه‌های اصلی آن است. دومین بحث، مسأله روان‌سازی اقتصاد است که باید آن را به انجام برسانیم، چراکه هرچه در این مسیر، دست‌انداها بیشتر باشند، فضا برای رانت بیشتر ایجاد می‌شود. به عنوان مثال فرض کنید به هر دلیلی تقاضای سیب‌زمینی بالا یا پایین رفته باشد. حال اگر اقتصاد روان نباشد، فضای رانت به وجود می‌آید که برخی با احتکار به افزایش قیمت آن دست می‌زنند، اما اگر اقتصاد روان باشد، می‌توان این حجم مازاد تقاضا را با واردات پوشش داد.

آن تقاضا وجود دارد. همچنین در برخی موارد، توزیع برخی کالاها مثلاً با حواله وزارت بازرگانی سبب می‌شود در کنار آن یک سیستم بازار سیاه به وجود آید. هم بازار سیاه و هم بازار خاکستری از عوامل اصلی به وجود آمدن اقتصاد سیاه و نامرئی در یک کشور هستند و این بستگی به سهم این نوع کالاها در یک اقتصاد دارد و در این رابطه، فلسفه پولشویی برای کنترل بازار سیاه و خاکستری شکل گرفته است. اما بازار خاکستری با بازار سیاه تفاوت دارد.

در بازار خاکستری، یک کالا نه خودش غیرمجاز است و نه نحوه توزیع آن. اما از طریق یک سری دست‌های نامرئی در بازار، بحثی به نام انحصارها به طور کاذب به وجود می‌آید که توازن عرضه و تقاضا را برای به دست آوردن سودی غیرمعقول به هم می‌زند. این را هم بدانید که در اینجا اصلاً گرانی مدنظر نیست، چرا که در برخی موارد، تقاضا از عرضه پیشی می‌گیرد که از طریق نظام متعادل‌کننده بازار، قیمت به حالت طبیعی خود بازمی‌گردد. اما انحصارها و دامپ کردن در یک اقتصاد منع دارد و همواره اقتصادهای تراز اول جهان، از طریق قوانین ضد دامپ و ضد انحصار نمی‌گذارند سهم یک بنگاه در اقتصاد از حد خاصی فراتر رود، چراکه نمی‌خواهند این بنگاه، سیاست‌گذار آن بازار شود و با قیمت‌گذاری ناصحیح، قیمت‌ها را به جایی برساند که ربطی به عرضه و تقاضا ندارد.

در حالی که بر اساس ارزش ریالی پرونده‌های قاچاق ثبت شده در گمرک، استان هرمزگان با رقم ۲ هزار و ۴۱۱ میلیارد ریال، معادل ۴/۸ درصد از کل سهم بهای پرونده‌های قاچاق ثبت شده را به خود اختصاص داده و از این حیث در جایگاه اول قرار دارد. همان‌طور که بیان شد، عدم برخورداری از قدرت اطلاعاتی در ارتباط با ورود و خروج کالا در مرزهای کشور به همراه وجود مناطق آزاد تجاری و عدم محدودیت‌های قانونی بجا از مهمترین دلایل این حجم انبوه قاچاق کالا در کشور است. متأسفانه باید اذعان داشت که ارقام مذکور، تنها اندکی از حجم واقعی قاچاقی است که به کشور وارد می‌شود. در این باره، حمید حسینی، عضو اتاق بازرگانی ایران اظهار داشت در حال حاضر، تنها ۱۰ درصد قاچاقی که به کشور وارد می‌شود در اسناد گمرک ثبت می‌شوند. حال اگر مطابق با آمار منتشره از سوی گمرک کشور در اسفند ۸۷ بهای مال پرونده‌های ثبت شده قاچاق - به ارزش بیش از ۱۰ میلیون ریال - را معادل ۴ هزار و ۸۳۰ میلیارد ریال در نظر بگیریم، می‌باید با احتساب تنها ۱۰ درصد قاچاق مکشوفه، رقم کل کالای قاچاق وارد شده به کشور را معادل ۴۸ هزار و ۳۰۰ میلیارد ریال بدانیم که این رقم معادل ۹/۴۳ درصد محصول ناخالص داخلی است. به عنوان راه حل، علاوه بر اصلاح همزمان نظام پولی و ارزی کشور، می‌باید توجه ویژه‌ای به تولیدکننده و قوانین حوزه صادرات و واردات صورت پذیرد، چرا که به طور حتم با کاهش موانع صادراتی و وارداتی، اقلام زیادی از کالاهای قاچاق حال حاضر از مسیر قانونی رد و بدل خواهند شد. همچنین می‌باید با خلق قوانین بجا - نه صرفاً افزایش بی‌مورد بوروکراسی - ریسک قاچاق را در کشور بالا برد. در حال حاضر، کشورمان جزو مناطقی محسوب می‌شود که ریسک پایینی برای قاچاق دارد که همین مورد عاملی برای تحریک و تهییج بیشتر قاچاقچیان بوده است.

متأسفانه علاوه بر صور گوناگون قاچاق کالا در کشور، هم مرز بودن کشورمان با افغانستان که مهد کشت افیون جهان است، سبب شده تا علاوه بر ترانزیت مخدر از کشورمان به اروپا و آمریکا، شاهد توزیع بخشی از آن در کشور باشیم که اثرات جبران ناپذیر اقتصادی و اجتماعی آن، توجه بیشتر مسئولان را می‌طلبد. ■



حمایت آن را سرپا نگه داشت؟ تا وقتی که اقتصاد